

هنر امام موسی صدر

در ایجاد وحدت میان ادیان و مذاهب

عبدالرحیم اباذری

چکیده

امام موسی صدر از نخستین اندیشمندانی بود که شعار وحدت امت اسلامی را سر داد. او با این باور که هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست و اینها پیروان دو مذهب از یک دین واحد هستند، به تلاش‌های وحدت‌بخش خویش ادامه داد و برای دفاع از حقوق اجتماعی مردم لبنان، مجلس اعلای این کشور را تأسیس کرد. او افزون بر وحدت ظاهری امت اسلام، به وحدت فقهی همه فرقه‌های اسلامی باور داشت و همواره بر آن تأکید می‌کرد. امام موسی پرچمدار همزیستی میان پیروان ادیان الهی بود و آن را یک سرمایه ملی در حل مشکلات اجتماعی می‌دانست. در این راستا، نشستی با عنوان «گفتگوی دوره‌ای میان اسلام و مسیحیت» برگزار و از اندیشمندان هر دو دین برای سخنرانی در آن دعوت کرد. او در نظر اندیشمندان و شخصیت‌های مسیحی لبنان، از جایگاه فوق‌العاده‌ای برخوردار بود؛ به طوری که برخی از آنان در آثار خود از امام موسی صدر با احترام یاد کرده‌اند.

این نوشتار ضمن تبیین اندیشه‌های مذهبی و اجتماعی امام موسی صدر، تلاش‌های این روحانی اندیشمند شیعه را در راستای ایجاد وحدت میان ادیان و مذاهب ستوده است.

واژگان کلیدی: امام موسی صدر، وحدت ادیان، وحدت مذاهب، وحدت فقهی، لبنان.

یکی از دغدغه‌ها و آرمان‌های مقدس امام موسی صدر در طول فعالیت‌های دوران حیات، وحدت امت اسلامی در سرتاسر جهان بود. او از آغاز جوانی که در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل داشت، در این اندیشه بود و در محافل حوزوی و در محضر اساتید، پیوسته پی‌گیر آن بود. در سال ۱۳۲۶ شمسی که کمتر از بیست سال داشت، وقتی از ورود علامه امینی به تهران آگاه شد، فرصت را غنیمت شمرد و با یکی از دوستان به دیدار علامه در تهران شتافت و در محضر آن عالم بزرگ، ضمن طرح بحث‌های علمی گوناگون، از ضرورت وحدت میان مذاهب اربعه در مقابل دشمن مشترک سخن گفت و از آن دفاع نمود.^۱

در سال ۱۳۳۸ در همان بدو ورودش به لبنان، بدون فوت وقت، شالوده روابط صمیمانه با علمای اهل تسنن را در شهر صور پی‌ریزی کرد. از جمله با محی‌الدین حسن (مفتی اهل سنت) ارتباط دوستانه محکمی برقرار ساخت، تا جایی که در اکثر مناسبت‌ها، مانند: عید غدیر، شب‌های رمضان، ایام عاشورا و تاسوعا، این دو در کنار هم بودند و در یک مکان مشترک مثل «مسجد قدیم» یا «نادی امام صادق (علیه السلام)» به منبر می‌رفتند و مردم، اعم از شیعه و سنی پای سخنان آنها می‌نشستند؛ به گونه‌ای که اگر فردی خارج از شهر صور به این مجلس وارد می‌شد، تشخیص نمی‌داد کدام یک از اهل تسنن و کدام از تشیع می‌باشند.^۲

امام موسی صدر بر آن بود که هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست و اینها پیروان دو مذهب از یک دین‌اند. او با همین بینش به تلاش‌های وحدت‌بخش خویش

ادامه داد تا این که در تابستان ۱۳۴۲ ش طی سفری دوماهه به کشورهای شمال آفریقا، در یک اقدام ابتکاری، ارتباط مستمر و کارآمدی را میان مراکز اسلامی کشورهای مصر، مغرب و الجزایر با حوزه‌های علمی و مراکز مهم شیعی در لبنان برقرار ساخت.^۳

یکی از کارهای مهم و سرنوشت‌ساز امام موسی صدر در لبنان تشکیل «مجلس اعلا» برای دفاع از حقوق اجتماعی کشور بود. او در روز تصدی ریاست این مجلس به تاریخ جمعه ۱۳۴۸/۳/۲ ش (۲۳ مه ۱۹۶۹ م) طی سخنانی پرشور در حضور رجال علمی، سیاسی و اجرایی لبنان، از جمله آقای شارل حلو، رئیس‌جمهور وقت، ضمن تشریح برنامه‌ها و خطوط کلی مجلس، بر دو بند زیر تأکید دوچندان داشت:

۱. اقدام اساسی برای عدم تفرقه میان مسلمانان و سعی فراوان به منظور دستیابی به وحدت کامل؛

۲. همکاری با همه طوایف مذهبی لبنان و تلاش برای حفظ وحدت در کشور.

این خط مشی‌ها پس از یک هفته، در اولین بیانیه‌ای که از سوی مجلس اعلا صادر شد، دوباره منعکس و مورد تأکید قرار گرفت و در سرتاسر لبنان و در روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شد. وی در این عرصه، به سخنرانی و صدور بیانیه بسنده نکرد؛ بلکه وارد میدان عمل شد. در آذرماه ۱۳۴۸ (اکتبر ۱۹۶۹) نامه‌ای تاریخی به مفتی اعظم وقت لبنان آقای شیخ حسن خالد نوشت و در آن، با طرح نکات ظریف و دقیق پیرامون وحدت بین مذاهب، خواستار یکی شدن اذان، افق شرعی، رؤیت هلال ماه رمضان و سایر اعیاد و تعطیلات اسلامی شد.^۴



امام موسی صدر بر آن بود که هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست و اینها پیروان دو مذهب از یک دین‌اند. او با همین بینش، به تلاش‌های وحدت‌بخش خویش ادامه داد.

وحدت فقهی، آرمان نهایی

در میان اندیشمندان و کارشناسان برجسته اسلامی، پیرامون وحدت بین مذاهب در مرحله اول دو نظریه مثبت و منفی وجود دارد. آنهایی که نگاه منفی به این موضوع دارند، می‌گویند: هیچ نقطه مشترکی بین شیعه و سنی نیست؛ بنابراین دلیلی برای وحدت نمی‌بینند. خوشبختانه صاحبان این تفکر، در اقلیت مطلق به سر می‌برند و اگرچه بعضی از آنان از روی حسن نیت و صداقت به این اندیشه باور دارند، ولی حقیقت این است که این نظریه همواره در طول تاریخ مورد سوءاستفاده دشمنان اسلام و استعمارگران غرب و شرق قرار گرفته و به یک معنا می‌توان گفت که این تفکر، در اصل ساخته و پرداخته آنان است و صاحبان این تفکر در واقع فریب آنان را خورده‌اند و آب به آسیب دشمنان می‌ریزند.

اما شخصیت‌هایی که نگاهی مثبت به این مهم دارند، به چند گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول معتقدند که این موضوع هیچ ربطی به وحدت خود مذاهب ندارد و هر یک از این مذاهب باید به اصول و فروع خود پایبند باشند و تنها پیروان این مذاهب هستند که در عین حفظ اصول و فروع مذهب خود، باید با پیروان مذاهب دیگر متحد شوند.

گروه دیگر می‌گویند: تمام مذاهب اسلامی موظفند ضمن حراست از هویت مذهبی خویش، تنها به نقاط مشترک میان مذاهب همت گمارند؛ چنان که در این راستا گام‌های بلند و مبارکی هم برداشته شد مرحوم شیخ طوسی رحمه‌الله و علامه حلی کتابهای «خلاف» و «تذکره» را تألیف کردند و امروز کتب ارزشمند بسیاری در «فقه مقارن» به همت اندیشمندان و فقهای شیعه و سنی نوشته می‌شود.

گروه سوم که به احتمال قوی طلایه‌دار آن امام موسی صدر می‌باشد، ضمن احترام به صاحبان و پیروان نظریه‌های پیشین و با همه اهمیت و احترامی که به این نظریه‌ها داشت، ولی هرگز آنها را کافی نمی‌پنداشت. ایشان به «وحدت فقهی» اعتقاد داشت و می‌گفت:

برج اسلامی که در پایه و اساس واحد است و امت اسلامی که در عقیده کتاب و مبدأ و معاد و منتها یکی است، نیاز مبرم دارد که در جزئیات هم یکی باشد.^۵

امام موسی صدر در ذی‌الحجه ۱۳۸۹ (آوریل ۱۹۷۰) که در کنفرانس سالانه «مجمع بحوث اسلامی» در قاهره شرکت داشت، ضمن سخنرانی مفصلی در حضور رجال علمی، بر همین موضوع تأکید کرد و طرح جامعی را در این باره به اجلاس تقدیم نمود که مورد توجه



و استقبال اغلب شخصیت‌ها واقع شد و او را به عضویت دائمی این مجمع درآورد. وی در حاشیه این کنفرانس نیز در مصاحبه‌ای با مجله «المصور» چاپ قاهره در پاسخ به خبرنگاری، پیرامون وحدت بین مذاهب گفت:

این موضوع بعد از دست‌یابی به وحدت فقهی امکان‌پذیر است و تنها با گفت‌وگوی خالی و مذاکره صوری رهبران مذاهب به دست نمی‌آید؛ چون مذاهب در عمق جان پیروان خویش شکل گرفته است و من به این مجمع که از علمای بزرگ جهان اسلام تشکیل شده، در تحقق این هدف مهم امید دارم. قاهره هم که در جهان اسلام از موقعیت مناسبی برخوردار است، می‌تواند در تحقق این هدف نقش مؤثری داشته باشد.

یک سال بعد یعنی در ۱۹ آوریل ۱۹۷۱ پس از حضور در ششمین کنگره «مجمع بحوث اسلامی» در قاهره و بازدید از نیروهای نظامی مستقر در کنال کانال سوئز و جبهه‌های جنگ در مرزهای مصر، همزمان با اهتمام بر جهاد و مبارزه علیه دولت غاصب و غیرقانونی اسرائیل، به موضوع وحدت امت اسلامی در امر شعائر دینی و مظاهر مذهبی تأکید نمود.^۶

در سال ۱۳۵۲ شمسی به مناسبت شرکت در هفتمین کنفرانس سالانه «شناخت اندیشه اسلامی» در الجزایر، ضمن مصاحبه‌ای با مجله «المجاهد» برای چندمین بار به تشریح وحدت فقهی پرداخت.^۷ البته هدف امام موسی صدر از وحدت فقهی این نبود که هیچ اختلاف نظری در میان فقهای مذاهب نباشد و همه در احکام و مسائل، یک فتوای مشترک صادر کنند؛ زیرا این امر هرگز امکان‌پذیر نیست؛ بلکه او باور داشت که این گونه اختلاف‌ها موجب رشد و تکامل فقه و پویایی اجتهاد و تحرک مجتهد خواهد شد. وی می‌گفت: مادامی که این اختلاف بینش‌ها به عنوان یک نظریه علمی و تئوری مطرح است، همواره مایه خیر و برکت و رشد و بالندگی است؛ اما هر گاه تبدیل به فتوا برای عمل یا شعائر دینی در جامعه شود، ناخودآگاه پراکندگی و تعدد فتوا و شعار، منجر به تشتت و تفرقه پیروان آن فتوا و شعار خواهد شد. پس به ناچار لازم است همه این فتاوا و شعائر و نظریه‌ها به یک فتوا و شعار واحد منتهی گردد تا سبب اختلاف، چنددستگی و پراکندگی امت اسلامی نشود.

ایشان برای مثال، مناسک حج، اذان، اعیاد اسلامی و حلول ماه رمضان و شوال را مثال می‌زد و می‌گفت:

مثلاً می‌توان این پیشنهاد را بررسی کرد که در رؤیت هلال به طریق نوین علمی و تعیین زاویه دید هلال در افق تکیه کنیم و روز عید را با دقت علمی مشخص کنیم تا همه مسلمانان در یک روز عید داشته باشند و در بسیاری دشواری‌ها صرفه‌جویی شود و از لحاظ تعطیل و دید و بازدید، دشواری‌های ناشی از تعدد روزهای عید را نداشته باشیم و نیز می‌توان شکلی از اذان را که برای همگان مورد قبول باشد بررسی نمود.^۸

پیشنهاد وحدت فقهی را امام موسی صدر برای اولین بار در تاریخ ۲۷ رجب ۱۳۸۹ (روز عید مبعث) در نامه‌ای به مفتی اعظم لبنان آقای شیخ حسن خالد اعلام کرد. از آن تاریخ حدود ۴۷ سال می‌گذرد و امروز که کل دنیا، به‌ویژه جهان اسلام در اثر ارتباطات قوی ماهواره‌ای و اینترنتی به منزله یک دهکده کوچک درآمده و توطئه‌ها و ترفندهای دشمنان اسلام به سرکردگی آمریکا و جهان غرب عمق و دامنه بیشتری یافته است، بیش از پیش ضرورت احیا و اجرای تفکر وحدت فقهی در سطوح مختلف جهان اسلام با تمام وجود احساس می‌شود. در دنیایی که استکبار جهانی به سرکردگی



آمریکا شعار جهان تک‌قطبی و خاورمیانه جدید و عربده اسلام‌ستیزی سر می‌دهد و هر از چند گاهی با تعلیم و تربیت و تقویت گروه‌های افراطی مانند القاعده و داعش سعی در ایجاد اختلاف و کینه‌توزی میان مسلمانان دارد، به هیچ وجه جایز و معقول نیست که از کوچه پس‌کوچه‌های این دهکده کوچک، صداها و متفاوت و متضاد به گوش برسد و نشست و برخاست‌های ناهماهنگ و ناهمگون به چشم بخورد.

هدف امام موسی صدر از وحدت فقهی این نبود که هیچ اختلاف نظری در میان فقهای مذاهب نباشد و همه در احکام و مسائل، یک فتوای مشترک صادر کنند؛ زیرا این امر هرگز امکان‌پذیر نیست؛ بلکه او باور داشت که این گونه اختلاف‌ها موجب رشد و تکامل فقه و پویایی اجتهاد و تحرک مجتهد خواهد شد.

روشن است تحقق این امر مهم به این آسانی میسر نیست و حتما به فرهنگ‌سازی، تدبیر، اندیشه و همت فقهای بزرگ و اندیشمندان دردمند و سیاست‌مداران تیزهوش و مدیر و مدبر جهان اسلام، اعم از شیعه و سنی نیاز دارد؛ به‌طوری که امام موسی صدر نیز به این حقیقت توجه جدی داشت و در بخشی دیگر از این نامه می‌نویسد:

با این حال، وصول به این هدف‌ها، به بررسی‌های دقیق و تعیین مسئولیت‌ها و ایجاد هماهنگی کوشش‌های همه فرزندان این کشور، در میان خود و در میان مسئولین کشور و نیز با کشورهای عربی و نیز به بسیج نیروهای همه مسلمانان جهان و صاحبان وجدان‌های بیدار و نیت خیر در همه مکان‌ها نیازمند است و مشارکت واقعی در این وظایف یعنی بذل آنچه در توان داریم. بر ماست که برای تحقق این امور، برنامه‌ها و شیوه‌های اجرایی آن را مشترکاً بررسی کنیم تا هماهنگی در فعالیت‌ها و شتاب و عمق آن آسان گردد.^۹

پرچمدار همزیستی با پیروان ادیان

امام موسی صدر علاوه بر وحدت بین مذاهب اسلامی، به یک نوع اتحاد، گفت‌وگو و همزیستی میان پیروان سایر ادیان الهی نیز معتقد بود. او از روزهای آغازین حضور خود در لبنان، توجه خاصی به این مهم داشت. در جهت گفت‌وگو و ارتباط با گروه‌های سیاسی و مذهبی مسیحیان این کشور برنامه‌ریزی کرد و به‌طور جدی وارد عمل شد و روز به روز هم بر عمق و وسعت آن افزود.

در نتیجه، در مدتی اندک با همه علما و شخصیت‌های برجسته مسیحی آشنا شد و با بیشتر آنان، به‌ویژه با اسقف «یوسف الخوری» (مطران مارونی) در اسفند ۱۳۳۸ به‌طور رسمی روابط دوستانه برقرار کرد.^{۱۰} او هرگز به این مقدار قانع نشد و همچنان روابط دوستانه‌اش را با سایر اقشار و طبقات مسیحی ادامه داد و برخی از معتمدان محلی و قبیله‌ای از شخصیت‌های مسیحی را در فعالیت‌های اجتماعی و امور خیریه با خود همراه ساخت. تابستان سال ۱۳۴۰ شمسی یکی از شخصیت‌های معروف مسیحی به نام «رفله منصد» یک‌سوم از سهام کارخانه یخ‌سازی خود را وقف مؤسسه «برّ و احسان» کرد که مؤسس این جمعیت خیریه مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین بود و بعدها زیر نظر امام موسی صدر در جهت رسیدگی به محرومان جنوب لبنان اداره می‌شد. به‌علاوه، دو نفر پزشک مسیحی عضو رسمی این مرکز شدند تا به‌طور رایگان بیماران مراجعه‌کننده را معاینه و مداوا کنند.^{۱۱}

ماجرای بستنی‌فروش مسیحی

در تیرماه ۱۳۴۱ شمسی (ژوئیه ۱۹۶۲م) در شهر صور، یک بستنی‌فروش مسلمان به همسایه مسیحی خود که او هم بستنی‌فروش بود، ستم کرده و در میان مردم تبلیغ می‌کرد که بستنی مسیحیان از نظر اسلام نجس است و خرید آن جایز نیست. این حرکت باعث شد تا کار مرد مسیحی به شدت کساد شود. مرد مسیحی خدمت امام صدر رفت و از او شکایت و دادخواهی کرد. امام صدر از وی دل‌جویی نمود و به آن مرد مسلمان هم پیغام فرستاد تا از این عمل ناشایست دست بردارد؛ اما آن مرد مسلمان گوش شنوا نداشت. چند روز بعد امام موسی صدر با تکیه بر فتوای صریح خود مبنی بر طهارت اهل کتاب، همراه چند نفر در مغازه بستنی‌فروشی مرد مسیحی حاضر شد و ضمن دل‌جویی عملی، از بستنی‌های او تناول نمود و با این عمل، از حقوق یک شهروند مسیحی که مورد ظلم واقع شده بود، دفاع کرد.^{۱۲}

این موضع در آن ایام انعکاس گسترده‌ای در سطح روزنامه‌های مهم لبنان از جمله النهار، الحیة و لسان الحال یافت^{۱۳} و منجر به تحکیم روابط مسیحیت و اسلام به رهبری امام موسی صدر شد؛ زیرا او در همین سال به دعوت مطران «گریگوار حداد» و سایر اعضای برجسته به عضویت شورای

مرکزی «جنبش حرکت اجتماعی» مسیحیان درآمد؛ چنان‌که پس از آن، وی مرتب به دعوت رهبران مسیحی در مراکز دینی مسیحیان برای بحث و گفت‌وگو و سخنرانی پیرامون موضوعات مختلف به ویژه «تعایش و همزیستی ادیان» شرکت کرد.^{۱۴}

امام موسی صدر علاوه بر وحدت بین مذاهب اسلامی، به یک نوع اتحاد، گفت‌وگو و همزیستی میان پیروان سایر ادیان الهی نیز معتقد بود. او از روزهای آغازین حضور خود در لبنان، توجه خاصی به این مهم داشت.

تأکید مستمر بر همزیستی

امام موسی صدر با تمام وجود همزیستی ادیان را دنبال می‌کرد و می‌گفت:

ما طرفدار ایجاد یک جبهه متحد اسلامی هستیم که به ما امکان دهد از موضع قدرت به سوی هموطنان مسیحی خود دست همکاری دراز کنیم و همزیستی میان مسلمانان و مسیحیان را کاری ممکن سازیم که اسرائیل اصرار دارد آن را جهان غیرممکن جلوه دهد و به وجود آمدن یک فلسطین مستقل را که یهودی، مسلمان و مسیحی در کنار هم زندگی کنند، غیرممکن نشان دهد.^{۱۵}

او اعتقاد راسخ داشت که همزیستی مسلمانان و مسیحیان، یک سرمایه ملی مهم است و باید از آن در جهت حل مشکلات و معضلات اجتماعی بهره‌برداری کرد.^{۱۶} وی در این راستا به قدری پیش رفت که مورد اعتماد و استناد محافل دینی مسیحیان شد. امام صدر خود در این باره می‌گوید:

یک مؤسسه مسیحی لبنان به نام «دیر المخلد» که به منزله حوزه علمیه آنهاست و کشیش تربیت می‌کند، از بنده دعوت کردند صحبت کنم ... بعد از مدتی که از صحبت بنده گذشته بود، رئیس دیر به مدیر کل تبلیغات لبنان که او هم مسیحی است، گفته بود: آن روحانیتی که سید موسی ظرف یک ساعت در محیط دیر ما ریخت، بیش از روحانیتی بود که در مدت شش سال ما به اینها می‌گویم. این حقیقتی است که مربوط به بنده نیست؛ مربوط به دین مطهر اسلام است.^{۱۷}

یکی دیگر از محافل مهم مسیحی که امام صدر پیوسته در آن حضور می‌یافت و برای جوانان، دانشجویان و شخصیت‌های علمی مسیحی صحبت می‌کرد، کلیسای تاریخی و بزرگ «مارمارون» در شهر طرابلس بود. شهر «بشری» یکی دیگر از مراکز اصلی مسیحیان مارونی لبنان است. در این شهر هزاران نفر از جوانان از اقشار مختلف مسیحی اجتماع می‌کردند و با عشق و شور وصف‌ناپذیری به سخنان او گوش می‌دادند. جوانان مسیحی به قدری عاشق و شیدای امام موسی صدر شده بودند که اغلب مراسم عقد ازدواجشان را نزد ایشان برگزار می‌کردند و از وی درخواست می‌نمودند عقدشان را او جاری کند و وی نیز عروس و داماد مسیحی را به عقد هم درمی‌آورد.^{۱۸}

توسعه و تعمیق همزیستی‌ها

اردیبهشت ۱۳۴۴ شمسی (مه ۱۹۶۵م) امام صدر در یک اقدام سرنوشت‌ساز دیگر و با همراهی شخصیت‌های علمی اسلام و مسیحیت، دست به راه‌اندازی اجلاسی علمی با عنوان «گفت‌وگوی دوره‌ای میان اسلام و مسیحیت» زد. در این اجلاس که در محل «الندرة اللبنانیة» برگزار می‌شد، از شخصیت‌های معروف هر دو دین مانند: نصری سلهب، جورج خضر، رانسو دوبره لاتور، یوسف ابو حلقه، حسن صعب، یواکیم مبارک و صبحی صالح در آن حاضر شده و به سخنرانی پرداختند. امام صدر در این نشست، بحث مفصلی پیرامون «اسلام و فرهنگ قرن بیستم» برای حضار ارائه داد که برای همه آنان تازگی داشت.^{۱۹}

جلسات حاشیه‌ای و میزگردهای گروهی این اجلاس با سخنرانی و ارائه نظرات اندیشمندان اسلامی و مسیحی تا تیرماه همان سال در جهت شناسایی راه کارهای تعمیق و گسترش فرهنگ گفت‌وگو میان ادیان ادامه یافت و در پایان با صدور بیانیه‌ای مشترک، اولین دور این گفت‌وگوها به پایان رسید. در این بیانیه بر چند موضوع مهم تأکید مضاعف شد که در این جا به آنها اشاره می‌شود:

۱. اهتمام به وجوه مشترک ادیان در یکتاپرستی؛
۲. سعی در حفظ ارزش‌های اخلاقی و انسانی؛
۳. توجه به نقش استثنایی لبنان در توسعه فرهنگ گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت؛
۴. تأکید بر نقش مهم گفت‌وگو میان ادیان در تحکیم وحدت ملی لبنان؛
۵. تأسیس دانشگاه عالی بررسی مقایسه‌ای ادیان آسمانی؛



امام موسی صدر با تمام وجود همزیستی ادیان را دنبال می‌کرد و می‌گفت: ما طرفدار ایجاد یک جبهه متحد اسلامی هستیم که به ما امکان دهد از موضع قدرت به سوی هموطنان مسیحی خود دست همکاری دراز کنیم و همزیستی میان مسلمانان و مسیحیان را کاری ممکن سازیم.

۶. لزوم همکاری همه اندیشمندان مسلمان و مسیحی در جهت تعمیق فرهنگ گفت‌وگو.

این اجلاس در سال‌های بعد نیز به همت و پشتکار امام موسی صدر به کار خود ادامه داد و موضوعات گوناگونی چون «عدالت در اسلام و مسیحیت» در آن بحث و بررسی شد.^{۲۰}

در کنار مسیحیان

او به عنوان یک روحانی و عالم شیعی، هرگز خود را تنها به شیعیان اختصاص نداد؛ بلکه همواره در تحکیم روابط خود با توده مردم و رجال سرشناس دینی، علمی و سیاسی مسیحیت تلاش کرد. ایشان در ایام عید و مناسبت‌های مختلف برای دید و بازدید به منازل و محافل جشن و سرور آنان وارد می‌شد و با حضور در مراسم ترحیم و عزای آنها خود را در غم و شادی مسیحیان شریک کرد، تا جایی که توده مردم مسیحی در حد رهبران روحانی و مسیحی خود، بلکه بالاتر از آن به وی احترام و ارزش قائل بودند و حتی در برخی رخدادهای سیاسی بیش از رهبران خود به وی اعتماد داشتند.

در ۳۱ مرداد ۱۳۵۶ ایشان در مصاحبه‌ای با مجله Monday Morning موقعیت و جایگاه خود را در میان مسیحیان چنین معرفی می‌کند:

من فکر نمی‌کنم کسی در لبنان بیش از من پرچم همزیستی تمام ادیان و وحدت ملی را برافراشته نگه داشته باشد. من بیش از آن که خودم باشم، به صورت رمزی برای وحدت ملی شده بودم؛ لذا از نظر توطئه‌گران می‌بایستی از بین می‌رفتم. من علاوه بر روابط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که با رؤسای تمام طوایف دینی داشتم، به درجه‌ای از اعتماد رسیدم که سه سال قبل موعظه روزه (مراسم ویژه دینی مسیحیان) را در کلیسای «کبریشین» برای مؤمنان مسیحی ایراد کردم و این شاید در تاریخ جهان بی‌سابقه باشد. برای این که متوجه بُعد قضیه بشوید عرض می‌کنم کاری که من کردم، مثل این است که یک پیشوای مذهبی مسیحی، خطبه‌های نماز جمعه را برای نمازگزاران مسلمان ایراد کند. لذا من رمز وحدت ملی و برادری ادیان توحیدی و پرچمدار همزیستی طوایف مختلف در لبنان صلح‌طلب بودم. لذا برای ترور شخصیت معنوی من به حمله‌های تبلیغاتی علیه من پرداختند و تمام کارها و مواضع سیاسی مرا زیر سوال بردند.^{۲۱}

امام صدر در نگاه شخصیت‌های مسیحی

کشیش «یواکیم مبارک» از رهبران مذهبی و سرشناس مسیحی لبنان در مقاله‌ای در روزنامه النهار چاپ بیروت در مورد وی می‌نویسد:

البته هیچ کس منکر نیست که سید موسی صدر شیعه است و فعالیت خود را به منظور رسیدگی به حقوق شیعیان این کشور آغاز کرد، ولی این فعالیت اکنون دارای دورنمای والاتری است و نباید فراموش کرد که شیعیان در اسلام همواره یک طبقه روشنفکر و خواهان عدالت بوده‌اند و در این راه جانبازی‌ها نموده و قربانیان زیاد داده‌اند. به همین جهت نیز صلاح لبنانیان در آن است همان طوری که دوره‌های گذشته تاریخ برای نهضت مارونی‌ها و دروزی‌ها اهمیت قائل شده و جنبه‌های آزادی‌خواهانه و انسانی این نهضت‌ها را در نظر گرفتند، اکنون نیز نهضت موسی صدر را پر و بال دهند؛ مخصوصاً که این نهضت با انقلاب فلسطین پیوند و هماهنگی دارد.^{۲۲}

استاد «الیاس الدیری» مفسر برجسته مسیحی در عرصه مطبوعاتی لبنان در مورد وی می‌نویسد:

خداوند امام موسی صدر را صد و یک سال حفظ فرماید و عمر او را هر چه طولانی‌تر کند تا ناقوس خروشان و فریادی طنین‌انداز در جهان باشد. وجدانی باشد که خفتگان غرق در خواب را به هنگامی که خلق از نگرانی دیده بر هم نمی‌گذارند و ناله می‌کنند، برآشوبد. خداوند او را برای طایفه محروم خود و سایر محرومان لبنان در طول تاریخ محفوظ بدارد ... در این لبنان چقدر محرومان و ستمدیدگان بسیارند و چقدر نیاز به دستی که ستم و زور را بزدايد و محرومیت را



او به عنوان یک روحانی و عالم شیعی، هرگز خود را تنها به شیعیان اختصاص نداد؛ بلکه همواره در تحکیم روابط خود با توده مردم و رجال سرشناس دینی، علمی و سیاسی مسیحیت تلاش کرد.

از میان بردارد، شدید و فراوان است. چقدر به صدایی همچون صدای حضرتش و به قلبی همچون قلب ایشان نیاز مبرم احساس می‌شود. شاید برای نخستین بار است که جنبش یک رجل دینی، رنگ فرقه‌گرایی ندارد و از نشان تعصب عاری است. دلیل آن، این است که جنبش این امام و رهبر شیعی، اعجاب و تقدیر و همدلی مارونی‌ها، سنی‌ها و ارتدکس‌ها را اجماعاً به خود جذب کرده است.^{۲۳}

«جورج جرداق» متفکر و ادیب مسیحی لبنان که آبان‌ماه ۱۳۹۳ در گذشت و کتابی بسیار ارزشمند در پنج جلد به نام «امام علی (علیه السلام)، صدای عدالت انسانی» نوشته است، ۴۵ سال پیش به مناسبت انتخاب امام صدر به ریاست مجلس اعلای شیعیان لبنان در مقاله‌ای در مجله الصیاد بیروت می‌نویسد:

با خبر انتخاب امام موسی صدر به ریاست مجلس اعلای شیعیان لبنان غافلگیر نشدم. از شادی همه مردم لبنان، از شیعیان گرفته تا مسیحیان و اهل سنت به یک اندازه، برای انتخاب این مرد بزرگ به این منصب بزرگ غافلگیر نشدم؛ زیرا امام موسی صدر سیمایی آرمانی و زیبا و بزرگوار از یک عالم دینی است. اخلاقی والا و دلی مهربان و سینه‌ای گشاده به روی همه مردم دارد که برای عشق کامل و فراگیر گنجایش دارد و عقلی روشن‌گر و چهره‌ای مطمئن دارد. وقتی با او دیدار می‌کنی، گویی که پدرت یا برادرت یا کسی را دیده‌ای که آرزوی دیدارش را داشته‌ای و دست تقدیر آن را برایت میسر کرده است. امام موسی صدر سیمای زیبا و باشکوه انسان است؛ آن‌گونه که امام بزرگوار علی بن ابی طالب (علیه السلام) خواسته است: دادگر و راست‌گو و پاک‌دست و عالم و عامل به علم خویش است و مجال نیکوکاری را غنیمت می‌شمارد و در مسیر هدایت، به سبب اندکی شمار پویندگان آن دچار هراس نمی‌شود و نزدیکی او به مردم با نرم‌خویی و مهربانی و بخشش مال و گشاده‌رویی همراه است. این صفات علوی والا که در شخصیت امام موسی صدر گرد آمده، بارقه‌ای از این حدس را بر قومی افکند که گویی امام از زبان امام بزرگوار پسر ابوطالب به تو می‌گوید: «نیت دارم که بسیاری از کارهای نیک را انجام دهم و به دسته‌ای از آنها عمل کنم و بر آنچه از کفم رفته است، حسرت می‌خورم که چگونه بدان عمل نکرده‌ام. ساده‌ترین سخنی که می‌توان درباره شخصیت امام موسی صدر



گفت، این است که اگر با او همنشین شوی و گرمای مهرورزی و مهربانی و خُلق کریمش تو را در برگیرد، احساس می‌کنی که تشیع فقط صفت شیعیان نیست؛ بلکه در درجه نخست، از آن تو نیز هست.^{۲۴}

این اظهارات، تنها سخنان سه تن از شخصیت‌های برجسته مسیحی است که برای نمونه در مقاله آوردیم و موارد بسیار دیگری را می‌توان بازگو کرد؛ چنان‌که از شخصیت‌های معروف اهل سنت نیز در تجلیل و تکریم از ایشان سخن بسیار فراوان است. این گونه اظهارات اگرچه در ظاهر از زبان و قلم چند شخصیت مطرح می‌شود، ولی در واقع زبان حال همه مردم لبنان اعم از شیعه و سنی و مسیحی و یهودی است.

امام موسی صدر بدون این‌که آنها را به خود دعوت کند، با عملکرد درست و هنر مدیریتی خویش همه را شیفته و شیدای خود کرده بود. به عبارت روشن‌تر: توده مردم و جوانان لبنان و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی، اعم از سنی، مسیحی و یهودی، بدون این‌که خود خبر داشته باشند، از فرهنگ شیعی و تفکرات سیاسی تشیع پیروی می‌کردند و در واقع به یک معنا شیعه شده بودند و این در سایه هنر مدیریتی امام موسی صدر بود.

از سوی دیگر برخی گروه‌های سیاسی و جناح‌هایی که منافع کشورهای بیگانه را تأمین می‌کردند، چون وجود او را مانع فعالیت خود می‌دیدند، ناجوانمردانه تهمت‌ها و نسبت‌های عجیب و غریب به ایشان می‌زدند. گروه‌های وابسته به آمریکا و اسرائیل، او را عامل شوروی می‌خواندند. جناح‌های حلقه به گوش شوروی، وی را وابسته به غرب تبلیغ می‌کردند. بعضی هم کسوتان نیز از روی ساده‌لوحی یا حسادت می‌گفتند: او از دین جدش خارج و مسیحی شده است! چه دلیلی بهتر و قوی‌تر از این که وی در دیرها، کلیساها و کنیسه‌ها حضور پیدا می‌کند! بعضی دیگر می‌گفتند: او سنی شده؛ چون رابطه گرمی با علمای سنی دارد! و عده‌ای نیز می‌گفتند: او کمونیست شده! چرا به عنوان یک روحانی، به اتحاد جماهیر شوروی سفر کرده است؟!

اما امام صدر هرگز به این تهمت‌ها و تخریب‌ها توجه نداشت و تنها به رسالت صنفی و تاریخی خویش می‌اندیشید. او در مقطعی از آرمان فلسطین و فلسطینیان حمایت می‌کرد که اغلب روحانیون شیعی در لبنان، ضد فلسطین بودند و آنها را دشمن می‌پنداشتند.

هنر امام موسی صدر در نگاه رهبری

امام موسی صدر حتی به مخالفان سرسخت نیز احترام می‌گذاشت. او همه این مسائل را امور حاشیه‌ای و بی‌اهمیت می‌دانست و تنها به آرمان و اهداف خود می‌اندیشید. هنر او این بود که بیش از چهل سال پیش به این مهم به عنوان یک ضرورت دینی و ملی در مقابل دشمن مشترک (آمریکا و اسرائیل) پی برد و وارد میدان عمل شد و توانست در محیط لبنان و حتی در سطح برخی سران کشورهای عربی و در میان طوایف مختلف شیعه، سنی و مسیحی وحدت، صمیمیت و وحدت به وجود آورد. او به حق یک مصلح بزرگ جهانی و رمز وحدت میان ادیان، مذاهب و طوایف شد؛ چنان که رهبر معظم انقلاب نیز با صدور بیانیه‌ای از این بُعد شخصیت ایشان چنین تجلیل کرد:

بخشی از خدمات بزرگی که آن عالم مبتکر و پر نشاط در مدتی نزدیک به بیست سال در صحنه اجتماعی و سیاسی لبنان به شیعه و به لبنان تقدیم کرد، وحدت و هویت بخشیدن به شیعه لبنان و ایجاد همزیستی و احترام متقابل میان پیروان ادیان و طوایف سیاسی در آن کشور از سویی و صراحت در معرفی رژیم غاصب صهیونیست به عنوان شرّ مطلق و اعلام حرمت همکاری با آن از سوی دیگر است.^{۲۵}

هنر امام صدر در نگاه سید حسن نصرالله

سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان درباره امام موسی صدر و زمانه‌ای که ایشان در آن ظهور کرد می‌گوید:



امام موسی صدر بدون این که آنها را به خود دعوت کند، با عملکرد درست و هنر مدیریتی خویش همه را شیفته و شیدای خود کرده بود. به عبارت روشن‌تر: توده مردم و جوانان لبنان و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی، اعم از سنی، مسیحی و یهودی، بدون این که خود خبر داشته باشند، از فرهنگ شیعی و تفکرات سیاسی تشیع پیروی می‌کردند.

وقتی امام صدر به لبنان آمد، امری عجیب و غیرعادی بود؛ به گونه‌ای که داعیه‌دار چنین موضوعی به راحتی به ارتداد، الحاد، فسق، فجور و خروج از دین و اموری از این قبیل متهم می‌شد. سیاستمداران تحمل نداشتند که فردی برجسته، با اخلاص هوشیار و پاک به عرصه فعالیت آنان قدم گذارد. از سوی دیگر برخی روحانیون تاب و تحمل چنین فردی را نداشتند ... امام موسی صدر تنها بنیان‌گذار مقاومت نبود، بلکه بنیان‌گذار اقدامات، طرح‌ها و دستاوردهای بسیاری بود که در صورت غفلت از آنها از قافله زمان عقب خواهیم ماند. حضور امام موسی صدر در لبنان باعث شد که روحانیت بار دیگر مسئولیت انسانی، شرعی و مدنی خود را بر عهده بگیرد و از کانالی انسانی، الهی و شرعی و نه قدرت‌طلبی و انتقام‌جویی پا به عرصه سیاست بگذارد ... ما از امام صدر آموختیم که سرزمین غصب شده را نمی‌توان از راه‌های مسالمت‌آمیز بازپس گرفت. آموختیم که سرزمین غصب شده را تنها از راه جهاد، شهادت، فداکاری، جنگ و خون و باجانشانی شهادت‌طلبانی چون احمد قصیر و بلال فحصى می‌توان بازپس گرفت. بنابراین نقش تأسیسی امام صدر به یک عرصه محدود نمی‌شود، بلکه او در ابعاد مختلفی در کشور لبنان بنیان‌گذار و مؤسس به شمار می‌آید.^{۲۶}

او همه این موانع، مشکلات، تهمت‌ها و افتراها را به جان و دل خرید و تحمل کرد و در نهایت تحول بزرگی را در ابعاد وسیع در لبنان و حتی منطقه به وجود آورد. با صبر و تحمل، بسیاری از مخالفان سرسخت خویش را به زانو درآورد و به کرنش واداشت. شیخ حسن خطیب یکی از مخالفان وی می‌گوید:

من با این مرد خیلی جنگیدم! بسیار با او مبارزه کردم! اما هر چه قدر بیشتر مبارزه کردم، او بیشتر محبت نمود و بیشتر به دیدنم آمد. آن قدر محبت نمود که خودم شرمند شدم.^{۲۷}

سخن پایانی

امروز هر تیری که به سوی رژیم غاصب صهیونیستی اسرائیل شلیک می‌شود و هر پیروزی مردم لبنان و فلسطین، به یقین این مصلح بزرگ سهم بزرگی در آن دارد؛ زیرا او مؤسس مقاومت و جهاد با دشمن مشترک و منادی وحدت و یکپارچگی طوایف در

مقابل دشمن مشترک بود. در نتیجه دو دهه تلاش و خون دل خوردن‌های او، امروز ما شاهد شکوفایی بازوان قدرتمندی مانند جنبش حزب الله در لبنان و نهضت مقاومت اسلامی در فلسطین هستیم. در واقع این دو جنبش مبارک، در درجه اول جزء فرزندان و تربیت‌یافتگان مکتب فکری و انقلابی امام موسی صدر به شمار می‌آیند؛ چرا که اگر فعالیت‌های بیست ساله امام موسی صدر در آن منطقه نبود، هرگز جوانان لبنانی و فلسطینی نمی‌توانستند پیام انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن را به این آسانی و درستی دریافت کنند؛ همان‌گونه که در بعضی از کشورهای اسلامی این مشکل وجود دارد و می‌بینیم حتی جوانان شیعه، آن‌طور که باید و شاید نمی‌توانند پیام‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران را درک و دریافت کنند و نیاز ایجاد زمینه‌های مناسب دارند.

هنر امام موسی صدر این بود که توانست نه تنها شیعیان پراکنده و اهل سنت متفرق در میان خود را با هم متحد و برای هم و در کنار هم قرار دهد، بلکه حتی مسیحیان و یهودیان را نیز با مسلمانان همدل و همراه کرد و با حضور همه پیروان ادیان و مذاهب، یک جبهه متحد از همه موحدان و مؤمنان علیه استکبار جهانی و صهیونی تشکیل داد.

به همین سبب بود که دشمنان احساس خطر جدی کردند و او را از میان برداشتند. اگر او می‌ماند، به یقین این هنر را داشت که همین جبهه متحد موحدان و مؤمنان را در سطح خاورمیانه و جهان توسعه دهد و کشورهای اسلامی - عربی و حتی غیراسلامی را علیه زورگویان و انحصارطلبان جهانی بسیج کند.



امروز هر تیری که به سوی رژیم غاصب صهیونیستی اسرائیل شلیک می‌شود و هر پیروزی مردم لبنان و فلسطین، به یقین این مصلح بزرگ سهم بزرگی در آن دارد؛ زیرا او مؤسس مقاومت و جهاد با دشمن مشترک و منادی وحدت و یکپارچگی طوایف در مقابل دشمن مشترک بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. نامه سفید، ش ۱۶، ص ۱۶.
۲. الامام الصدر و الحوار، مرکز الامام الصدر للابحاث و الدراسات، بیروت، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹.
۳. اسرار ربوده شده، ص ۴۴.
۴. ترجمه فارسی این نامه در کتاب «امام موسی صدر، امید محرومان» آمده است.
۵. بخشی از نامه ایشان به شیخ حسن خالد.
۶. روزنامه المحرر، بیروت، ۱۹۷۱/۴/۲۰م.
۷. روزنامه المجاهد، ش ۶۷۸، ۱۳ رجب ۱۳۹۳.
۸. بخشی از نامه ایشان به شیخ حسن خالد.
۹. عبدالرحیم اباذری، امام موسی صدر، امید محرومان، ص ۲۷۸.
۱۰. مصطفی جحا، سجنین الصحراء، ص ۴۱۴-۴۲۲.
۱۱. سالنامه گفتار ماه، سال دوم، ص ۳۹.
۱۲. سید هادی خسروشاهی، یادنامه امام موسی صدر، ص ۴۳۰ و ۳۱۵ و ۲۶۰؛ محسن کمالیان، عزت شیعه، ص ۲۱۶.
۱۳. سجنین الصحراء، ص ۴۲۶.
۱۴. همان، ص ۴۳۲.
۱۵. علی حجتی کرمانی، لبنان به روایت امام موسی صدر، ص ۸۶.
۱۶. الوحده والتحریر، (حوارات صحیفه ۲)، ص ۲۶.
۱۷. سالنامه سیمای اسلام، ص ۹۰.
۱۸. عزت شیعه، ص ۱۴۲ و امام موسی صدر امید محرومان، ص ۲۸۱.
۱۹. متن کامل این سخنرانی در کتاب «ابجدیة الحوار» (مجموعه سخنرانی‌های امام صدر، به کوشش حسین شرف‌الدین) چاپ شده است.
۲۰. همان.
۲۱. مجله، ترجمان، ص ۴۲.
۲۲. یاران امام، ویژه امام موسی صدر، ج اول، گزارش ساواک، تاریخ ۱۳۵۳/۹/۲۳.
۲۳. مجله سروش، ش ۱۶۱، ص ۳۳.
۲۴. پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۹۳/۸/۱۵.
۲۵. روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۳۷۸/۳/۱۰، ش ۵۷۸۳، ص ۴.
۲۶. همان، پنجشنبه، ۱۳۷۹/۹/۱۷، ش ۶۲۲۹، ص ۱۵.
۲۷. عزت شیعه، ص ۲۱۴؛ امام موسی صدر امید محرومان، ص ۱۸۰.